

بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان
(۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر

Study of socio-cultural factors affecting the prevention of addiction of badly
cared for young girls (14 to 29 years old) in Bardsir city

Elahe Behzadi Goderee

M.A. on Social Science Research, Department
of Faculty of Literature bardsir Branch, Islamic
Azad University, bardsir, Iran.

Email: elahe5742@gmail.com

Ameneh Firozabadi

Department of Faculty of Literature bardsir
Branch, Islamic Azad University, bardsir, Iran.

الهه بهزادی گودری *

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد
اسلامی، واحد بردسیر، گروه علوم انسانی، بردسیر، ایران.

آمنه فیروز آبادی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بردسیر، گروه علوم انسانی، بردسیر، ایران.

Abstract

The main purpose of this study was to investigate the socio-cultural factors affecting the prevention of addiction in young girls (14 to 29 years old) abused in Bardsir in 2021. The research method was descriptive and contextual. The study population was young girls with addiction (14 to 29 years old) abused under the supervision of welfare and quit addiction in Bardsir in 2021. The sample size was limited due have been used. The instruments used in this study are the fixed standard scale (1397), the four-dimensional scale of religiosity (ritual, doctrinal, experimental and consequential dimension), Glark and Stark (2001), the standardized leo serowl questionnaire (1956), the calan & etall standard scale (2008).), Rasel & pilaau (1980), standard scale of one thousand acres and safari of rice (2006), standard scale of Sadeghi Sarvestani and Ghaderi (2009) Pearson correlation test and regression coefficient were used to analyze the data. The results showed that there is a positive and significant relationship between cultural factors and addiction prevention and there is a negative and significant relationship between social factors and addiction prevention. There is a

چکیده

هدف اساسی از انجام این پژوهش بررسی عوامل فرهنگی- اجتماعی موثر بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر در سال ۱۴۰۰ بوده است. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه دختران جوان دارای اعتیاد (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست تحت نظر بهزیستی و کلینیک های ترک اعتیاد شهر بردسیر در سال ۱۴۰۰ بوده است. حجم نمونه به دلیل محدود بودن و عدم دسترسی زنان معتاد و بدسرپرست ۱۰۰ نفر و روش نمونه گیری در دسترس بوده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش مقیاس استاندارد ثابتی (۱۳۹۷)، مقیاس ابعاد چهارگانه دین داری (بعد مناسکی، اعتقادی، تجربی و پیامدی) گلارک و استارک (۲۰۰۱)، پرسشنامه استاندارد شده (1956) leo serowl، مقیاس استاندارد (2008) calan & etall، (1980) Rasel & pilaau، مقیاس استاندارد هزار جریبی و صفری شالی (۲۰۰۶)، مقیاس استاندارد صادقی سروسستانی و قادری (۲۰۰۹) استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون استفاده گردید. نتایج حاکی از این بود که بین عوامل فرهنگی با پیشگیری از اعتیاد رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و بین عوامل اجتماعی با پیشگیری از اعتیاد رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بین عوامل فرهنگی، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه ای،

significant relationship between cultural factors, and media consumption, cultural capital, and religious tendencies, increasingly (directly) and at an intermediate level. That is, with the increase of cultural factors, and, media consumption, cultural capital, religious tendencies, prevention of addiction increase. Also, there is a significant and decreasing (inverse) relationship between addiction prevention, social factors, feelings of anomie, feelings of relative deprivation, feelings of social isolation, tendency towards peers, and popular beliefs in oral literature with addiction prevention. That is, with the increase of social factors, the feeling of anomie, the feeling of relative deprivation, the feeling of social isolation, the tendency to peers, the popular beliefs in the oral literature, the prevention of addiction decrease.

Keywords: Cultural factors, social factors, addiction, badly cared for young girls to the limited availability of addicted women and the sampling method was available

سرمایه فرهنگی، گرایش های دینی رابطه معنی دار و به صورت افزایشی (مستقیم) و در سطح متوسط وجود دارد. یعنی با افزایش عوامل فرهنگی، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه ای، سرمایه فرهنگی، گرایش های دینی، پیشگیری از اعتیاد افزایش پیدا می کند. همچنین بین عوامل اجتماعی، احساس انومی، احساس محرومیت نسبی، احساس انزوای اجتماعی، گرایش به همسالان، باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی دار و کاهشی (معکوس) و در سطح متوسط وجود دارد. یعنی با افزایش عوامل اجتماعی، احساس انومی، احساس محرومیت نسبی، احساس انزوای اجتماعی، گرایش به همسالان، باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی، پیشگیری از اعتیاد کاهش پیدا می کند.

واژه های کلیدی: عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، اعتیاد، دختران جوان بد سرپرست.

نوع مقاله : پژوهشی	دریافت : دی ۱۴۰۰	پذیرش: اسفند ۱۴۰۰
--------------------	------------------	-------------------

مقدمه

خانواده، کوچک ترین واحد اجتماعی است که در سلامت و تداوم جامعه نقش بسیار زیادی دارد. می توان خانواده را به عنوان یک سیستم اجتماعی تعریف کرد که از افرادی تشکیل شده است که به یکدیگر وابستگی احساسی و هیجانی دارند و دارای گذشته مشترکی، همراه با تلاش برای رفع نیازهای اعضای خانواده هستند (بالکن و کایا، ۲۰۱۶). خانواده تأثیر بسیار زیادی بر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد و هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده سالم نمی تواند ادعای سلامت کند (بالکن، ۲۰۱۵).

در اکثر جوامع، اصلی ترین و محوری ترین عضو خانواده پدر است که مسئولیت سرپرستی و مدیریت خانواده را بر عهده دارد. به همین دلیل، مفهوم بی سرپرستی در اغلب تعاریف به معنی فقدان پدر در خانواده تعریف می شود. در خانواده های بی سرپرست یک والد به تنهایی مسئولیت زندگی خود را به دوش می کشد (شیخ الاسلامی، قمری کیوی و محمدی، ۱۳۹۵). نوجوانان یا جوانانی که در خانه های تک والدینی زندگی می کنند، به عنوان نوجوان یا جوان بی سرپرست یا بد سرپرست بیش از سایر افراد در معرض خطرات و خصوصاً اعتیاد قرار دارند (پرنت، ۲۰۱۵). افراد بد سرپرست فرزندان هستند که سرپرستان آنها به دلایل مختلف از جمله اعتیاد، وارد نمودن آسیب و آزارهای جسمی یا روانی به فرزندان فاقد صلاحیت لازم اجتماعی، اخلاقی و رفتاری برای نگهداری فرزند می باشند. حمایت والدین و اطرافیان در کسب سلامت روان فرزندان موثر است و دور شدن از محبت والدین، برآورده نشدن نیازهای مختلف دوره رشد مانند نیاز به تعلق، تحسین و محبت منجر به گزارش شیوع بالاتر بحران ها و آسیب های روانی، اختلالات رفتاری، پرخاشگری، اضطراب و افسردگی، تمایل به مصرف مواد

مخدر و ناهنجاری های اجتماعی در بین نوجوانان یا جوانان محروم از والدین یا بد سرپرست می شود. بد سرپرستی موجب افزایش خطر ابتلا به مشکلات روانی عصبی و هیجانی که به صورت اضطراب، استرس، افسردگی، احساس گناه، ناامیدی، ترس، خشم و به طور کلی به صورت نشانگان اختلالات روانی نمود می یابد (اوکراودو، ۲۰۱۶) و این نشانگان اختلالات روانی و یا گاهی روی آوردن به دوستان ناباب به خاطر عدم حمایت لازم والدین زمینه را برای اعتیاد فراهم می کند.

سالهاست که اعتیاد به مواد مخدر به صورت تهدید جدی جامعه بشری وبه ویژه نسل جوان رادر معرض خطر قرار داده است. متأسفانه اخیراً جوانان زیادی خصوصاً دختران جوان به سمت مواد مخدر گرایش پیدا کرده اند و گرفتار این بلای خانمان سوز شده اند. امروزه اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک معضل و نقش بسیار مهمی را بر این اقشار مختلف جامعه بخصوص قشر جوان جامعه ایفا می کند که عوامل مختلفی در گرایش به آن دخالت دارند که از جمله می توان به عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین عوامل شخصیتی و خانوادگی رادر آن دخیل دانست در درجه اول خانواده بر گرایش فرد به مواد مخدر نقش دارد و تاثیر گذار است. نظریه برچسب زنی که توسط لمرت منتشر شد براین مبنا است که انحراف فرآیندی است که توسط آن برخی مردم موفق می شوند برخی دیگر را منحرف تعریف کنند و در مورد اعتیاد اولین بار کسی که از روی کنجکاوی آزمایش یا سرخوردگی رو به مواد مخدر می آورد این عمل را اقدامی انحرافی نمی پندارد اما چون این کنش توسط افراد مهم دیگر چون دوستان، والدین مقامات رسمی و پلیس و انحرافات تلقی می شود وبا مجازات روبرو می گردد فرد برچسب بزهکار، منحرف و معتاد را از دیگران دریافت می کند و طرز رفتار دیگران با وی بر مبنای همین برچسب تنظیم می شود و در نتیجه فردی که از ابتدای قد عمل انحرافی و کجروی نداشته وبه صورت آگاهانه و یا نا آگاهانه خود نیز این برچسب را می پذیرد و تصویری جدید از خود می سازد و کنش وی با دیگران بر مبنای همین برچسب تعریف و تنظیم می شود این مساله می تواند به انحراف قانونی و ناهمנוایی فرد در جامعه نیز منجر می شود.

هر چند آمار دقیقی از میزان جمعیت زنان معتاد کشور وجود ندارد. اما براساس برخی پژوهشها ۱۵/۶ درصد از معتادان کشور را زنان تشکیل می دهند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۹۶) وزارت بهداشت در آمار خود در مورد زنان معتاد از رقم یک زن معتاد به ازای هشت مرد معتاد گزارش می دهد. برخی گزارشها هم بر این امر تأکید دارند که در مقابل ۱۰۰ هر ۷ مرد معتاد زن معتاد در دارد کشور وجود. از سوی دیگر به گفته مسؤولان زندان های کشور، در حال حاضر ۵۰ درصد زندانیان زن در رابطه با مواد مخدر و اعتیاد در زندان هستند که به نقل از همین مسؤولان این آمار در سال های اخیر افزایش یافته است (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۹۶)

با وجود این آمار و اطلاعات پراکنده و مقدماتی دیگر نمی توان به راحتی گفت جمعیت اندکی از زنان گرفتار مواد مخدر و پیامدهای آن هستند. این در حالی است که بسیاری از زنان و دختران به دلیل برچسب هایی که به یک زن و دختر معتاد در جامعه زده می شود کمتر تصور مراجعه به مراکز خود معرف را دارند. از این رو اغلب، اعتیاد در زنان و دختران پنهان مانده و بخش قابل توجهی از جمعیت معتادان زن کشور در آمارها گنجانده نمی شوند. علاوه بر آن در حال حاضر الگوی مصرف تغییر کرده است و قرص روان های گردان و گونه های دیگر مواد شیمیایی مورد مصرف قرار گرفته است. اگر چه در ظاهر دیگر از آن کارتن خوابها با چهره های معتاد تدخینی و تزریقی کاسته شده است اما گرایش به مواد شیمیایی به مراتب خطرناک تر و کشنده تر است. متأسفانه این نوع اعتیاد، اعتیاد خاموش است، زیرا از سویی تشخیص ظاهر و رفتار فرد معتاد به مواد صناعی و شیمیایی، به ویژه برای خانواده ها دشوار است و از سویی این خطر وجود دارد که اولین مرحله مصرف برای فرد ممکن است به آخرین بار بیانجامد و زندگی اش نابود شود (قربانی، ۱۳۹۴) بر اساس آمار جهانی، اعتیاد در زنان عوارض خطرناک تری نسبت به مردان ایجاد می کند. به عنوان مثال، فاصله زمانی اولین تجربه مصرف مواد تا تزریق مواد در زنان به طور متوسط دو سال و در مردان هشت سال است. بدین ترتیب زنان شش سال زودتر از مردان به واسطه ی وابستگی شدید، کشیده می شوند که طبعا درمان سخت تر و عوارض جسمی- روانی - اجتماعی آن به مراتب بیشتر است (قربانی، ۱۳۹۴).

متأسفانه یکی از دلایل عدم موفقیت در جلوگیری از وقوع جرایم، به طور عام و روی آوردن افراد به اعتیاد به طور خاص، عدم ریشه یابی در علل و عوامل وقوع آن‌هاست. اصولاً پیشگیری باید با دانش و اطلاعات کافی نسبت به علل ایجاد کننده هر دردی باشد و سپس مداوا، در پی تشخیص درد صورت پذیرد. چراکه اگر تشخیص درست باشد، درمان نیز آسان و سریع خواهد بود. پدیده ای که امروزه شاهد آن هستیم نوعی "نسل کشی فرهنگی" است به آسانی می توان بدون جنگ مغز انسان ها را از بین برد و تنها جسم آنها را باقی گذاشت. لذا تاکنون امر پیشگیری از اعتیاد زنان توجه مسئولان، محققان و پژوهشگران را به خود، جلب نکرده بوده و مسئله اعتیاد موضوعی بود که بیشتر مردانه تلقی می شد. اما با ظهور مواد جدید روان گردان و تبلیغات نادرست و برخی علل و عوامل دیگر جامعه بانوان با تهدیدی جدی روبه رو شده و نظر همگان را به خود جلب کرده است. به همین جهت محقق می کوشد تا با مطالعه ابعاد فرهنگی تأثیرگذار بر اعتیاد بانوان و با استفاده از نتایج تحقیق، ضمن ارائه تصویری روشن از عوامل مؤثر در گرایش به اعتیاد زنان و پیامدهای ناشی از آن، واقعیت‌های لازم را در جهت تدوین ساز و کار برنامه های پیشگیری از رشد مصرف مواد مخدر در بین زنان ارائه دهد

بنابراین از آنجایی که دامنه علل گرایش به اعتیاد و دامنه و گستردگی عوارض ناشی از آن بسیار وسیع و فراگیر می باشد. شناسایی، پیشگیری و از بین بردن علل گرایش به اعتیاد ضروری است؛ زیرا پیامدهای ناشی از اعتیاد بسیار خانمان سور و بنیان شکن هستند و درمان پس از اعتیاد نسبت به پیشگیری کاری به صرفه نخواهد بود. البته این بدان معنا نیست که افراد معتاد درمان نکردند بلکه بدان معناست که پیش از ایجاد اعتیاد در فرد، زمینه های گرایش به آن شناسایی شوند و با استفاده از مطالعات کارشناسانه در ابعاد و تخصص های گوناگون در از بین بردن زمینه ها تلاش گردد. علی رغم پیگیری و پیکارهای مداوم با بحران اعتیاد و مصرف مواد در ایران کماکان شاهد رشد بی حد و مرز این آسیب پیچیده اجتماعی هستیم. در واقع هدف از تحقیق حاضر بررسی این سؤال است که آیا عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست مؤثر می باشد؟ یا خیر

روش پژوهش

تحقیق موجود یک تحقیق کاربردی و از نوع توصیفی -پیمایشی است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه دختران جوان دارای اعتیاد (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست تحت نظر بهزیستی و کلینیک های ترک اعتیاد شهر بردسیر در سال ۱۴۰۰ می باشد حجم نمونه به دلیل محدود بودن و عدم دسترسی زنان معتاد ۱۰۰ نفر انتخاب شد و روش نمونه گیری در دسترس بوده است

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش از پرسشنامه های استاندارد شده و دارای روایی و پایایی مناسب زیر استفاده شده است.

پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی (وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی)

پرسشنامه مقیاس استاندارد ثابتی (۱۳۹۷)

روش نمره گذاری و تفسیر این پرسشنامه دارای ۱۸ سوال بوده و هدف آن بررسی عوامل مؤثر در گرایش به اعتیاد از ابعاد مختلف فرهنگی (امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه ای، سرمایه فرهنگی) است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده که در پژوهش های متعددی از جمله شهنی و همکاران (۱۳۸۴)، سهرابی و سهرابی (۱۳۸۱)، کفایت (۱۳۷۳) و حقیقت (۱۳۷۷) روایی ۰/۷۰ و پایایی این آزمون با استفاده از روش های تحلیل عاملی و بازآزمایی و آلفای کرونباخ ۰/۸۰ بدست آمده است.

مقیاس ابعاد چهارگانه دین داری

مقیاس ابعاد چهارگانه دین داری (بعد مناسکی، اعتقادی، تجربی و پیامدی) توسط گلارک و استارک (۲۰۰۱) طراحی شده است با توجه به برخی ملاحظات از جمله آموزشهای رسمی دینی در ایران بعد دانشی از مجموعه پنج بعد دینداری در الگوی گلاک و استارک حذف شده است و از الگوهای مورد استفاده در مطالعه ی سراج زاده استفاده شده است (سراجزاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۶۵-۱۷۳)

دینداری اعتقادی: باورهایی را در بر می گیرد که انتظار می رود پیروان آن دین، بدان ها اعتقاد داشته باشند (سراجزاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۶۴) اگر این بعد در ارتباط با دین اسلام توصیف گردد، مجموعه ای از باورها که اصول دین خوانده می شود را در بر می گیرد که عبارتند از: اعتقاد به خدا و نبوت حضرت محمد (ص)، معجزه انس قرآن، اعتقاد به معاد و روز جزاء. این مقیاس با ادغام ۷ گویه دیدگاه پاسخگویان را درباره ی اعتقاد دینی اندازه گیری کرده است. پایینترین و بالاترین ارزش در این مقیاس به ترتیب ۱ و ۵ است که نمره ۱ بیانگر مخالفت کامل و نمره ۵ نشاندهندهی موافقت کامل اعتقادات دینی پاسخگویان است.

دینداری تجربی: بعد تجربی یا عواطف دینی در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر میشود (همان: ۱۶۵) برای سنجش بعد تجربی دینی، شش گویه به شیوه ی مقیاس لیکرت با دامنه ی نمرات ۱ تا ۵ به کار گرفته شد.

دینداری مناسکی: به اعمالی اطلاق می شود که در چارچوب زندگی دینی نظیر خواندن نمازهای روزانه، روزه گرفتن در ماه رمضان و ... صورت می گیرند (همان: ۱۶۶). شاخص مناسک دینی در این پژوهش ۹ گویه در چارچوب مقیاس لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. دینداری پیامدی: شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است (همان). در این پژوهش، عدم ارتکاب افراد به خلافکاری، یا به سخن دیگر، نگرش منفی آنان به عمل خلاف نشان های از اثر دینداری آنها در زندگی روزمره و یا معرف بعد پیامدی دینداری در نظر گرفته شد. برخی از معرفهای در نظر گرفته شده در این خصوص عبارتند از نوع نگرش افراد به پرداخت مالیات، مبارزه با پدیده ی بدحجابی، حضور زنان در مسابقات ورزشی مثل فوتبال بعنوان تماشاچی و غیره. بعد پیامدی دینداری در این پژوهش با ۶ گویه در چارچوب مقیاس لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. دامنه نمرات از ۱ تا ۵ است که نمره ۱ به منزله بدون تأثیر بودن پیامد دینی در رفتار بزهکارانه و نمره ۵ به معنای تأثیر کامل آن است.

پس از تهیه پرسشنامه و پیش از آزمون نهایی آن، به منظور تعیین میزان پایایی طیف های به کار رفته در پرسشنامه، تعداد ۳۰ پرسشنامه در مرحله ی پیش آزمون توسط کارمندان تکمیل و پس از کدگذاری و با استفاده از نرم افزار SPSS و به کمک شاخص پایایی "آلفای کرونباخ"، میزان همبستگی گویه های مربوط به چهار مقیاس دینداری و چهار مقیاس اخلاق کار محاسبه شده، که نتایج ضریب پایایی آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹، ۰/۶۷، ۰/۸۴، ۰/۸۸ بدست آمد

پرسشنامه احساس انومی

پرسشنامه احساس بی هنجاری توسط حیدری و همکاران (۲۰۱۱) بر اساس نظریات و پیشینه تجربی طراحی و اعتباریابی شده است، این پرسشنامه شامل ۲۰ گویه بسته پاسخ بر اساس طیف پنج درجه ای لیکرت می باشد، پرسشنامه سه بعد بی معنایی و بی اعتمادی، بی قدرتی و بت وارگی پول را مورد سنجش قرار می دهد، این پرسشنامه توسط طلوع پارسا (۱۳۹۳) اعتباریابی شده است.

طیف مورد استفاده در پرسشنامه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت می‌باشد (شامل: کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) در جدول زیر نشان داده شده است.

مقیاس درجه‌بندی سوالهای پرسشنامه های پژوهش بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت

گزینه انتخابی	کاملاً موافقم	موافقم	تا اندازه‌ای	مخالفم	کاملاً مخالفم
امتیاز	۵	۴	۳	۲	۱

تعداد سوالات پرسشنامه * ۱ = حد پایین نمره

حد پایین نمره	حد متوسط نمرات	حد بالای نمرات
۳۵	۱۰۵	۱۷۵

- در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۱ تا ۳۵ باشد، میزان متغیر در این جامعه ضعیف می باشد.
 - در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۳۵ تا ۱۰۵ باشد، میزان متغیر در سطح متوسطی می باشد.
 - در صورتی که نمرات بالای ۱۰۵ باشد، میزان متغیر بسیار خوب می باشد.
- در پژوهش حیدری و همکاران (۲۰۱۱) ۰/۸۳. هم چنین آلفای تک تک خرده‌مقیاس ها این گونه به دست آمد: بی‌معنایی و بی‌اعتمادی: ۰/۸۲، بی‌قدرتی: ۰/۷۲، بت‌وارگی پول: ۰/۷۰. در مطالعه طلوع پار (۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه بر اساس یک مطالعه مقدماتی بر روی نمونه ۳۰ نفری پایایی پرسشنامه ۰/۸۲ محاسبه شد. روایی پرسشنامه در پژوهش حیدری و همکاران (۲۰۱۱) از طریق تحلیل عاملی مورد تایید قرار گرفت. در مطالعه طلوع پارسا (۱۳۹۳) برای بدست آوردن روایی پرسشنامه از نظرات استاد راهنما و چندین تن از دیگر اساتید و متخصصین و کارشناسان استفاده شده است.

مقیاس احساس محرومیت نسبی

برای سنجش احساس محرومیت نسبی توسط پیتر بلاو و جودیت بلاو (۲۰۰۸) طراحی و در قالب طیف لیکرت ۵ درجه ایی مورد استفاده قرار می گیرد. این ابزار دارای ۱۵ سؤال بوده که سه بعد ارزش های رفاهی، ارزش های بین شخصی و ارزش های مربوط به قدرت را مورد سنجش قرار می دهد. پاسخ دهی به سؤالات نیز براساس طیف پنج گزینه ای لیکرت با گزینه های "کاملاً مخالف" (با نمره ۱)، "مخالف" (با نمره ۲)، "تا حدی موافق" (با نمره ۳)، "موافق" (با نمره ۴) و "کاملاً موافق" (با نمره ۵) می باشد. در این پرسشنامه سؤالات ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹ و ۱۰ معکوس کدگذاری می شود. که با الفای کرونباخ ضریب پایایی آن را سنجیده و ۰/۸۴ بدست آمده است

پرسشنامه انزوای اجتماعی

این پرسشنامه توسط سیمن (۲۰۰۰) طراحی گردیده است

بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر

سوال	ابعاد (مؤلفه)	مقوله (متغیر)
۶	تنهایی	انزوای اجتماعی
۳	عجز	
۵	یأس اجتماعی	
۴	کاهش تحمل اجتماعی	

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم
۵	۴	۳	۲	۱

تعداد سوالات پرسشنامه * ۱ = حد پایین نمره

حد پایین نمره	حد متوسط نمرات	حد بالای نمرات
۱۸	۴۵	۹۰

- امتیازات خود را از ۱۸ عبارت فوق با یکدیگر جمع نمایید. حداقل امتیاز ممکن ۱۸ و حداکثر ۱۹ خواهد بود.
- نمره بین ۱۸ تا ۳۰: میزان انزوای اجتماعی در حد پایینی می باشد.
- نمره بین ۳۰ تا ۶۰: میزان انزوای اجتماعی در حد متوسطی می باشد.
- نمره بالاتر از ۶۰: میزان انزوای اجتماعی در حد بالایی می باشد.

در پژوهش مدرسی یزدی (۱۳۹۳) محاسبه روایی پرسشنامه از طریق روایی صوری به دست آمد به این صورت که پرسشنامه سنجش خشونت نسبت به زنان توسط پژوهشگر ترجمه شد، روایی آن توسط چند تن از اساتید متخصص مورد تأیید قرار گرفت. در پژوهش مدرسی یزدی (۱۳۹۳)، به منظور سنجش پایایی هر یک از ابعاد این پرسشنامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که طبق نتایج هر یک از مولفه های پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار هستند.

متغیر	ابعاد (مؤلفه)	ضریب الفای کرونباخ
انزوای اجتماعی	تنهایی	۷۹٪
	عجز	۸۵٪
	یأس اجتماعی	۷۳٪
	کاهش تحمل اجتماعی	۷۸٪

مقیاس باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی

توسط استاندارد صادقی سروستانی و قادری (۲۰۰۹) طراحی شده است شامل دو مولفه تأکید بر انکار زیان و تأکید بر جنبه های مثبت هر کاری را مشخص می کند. پاریزانی (۱۳۹۴) پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش کرده است. خجسته و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود روی نمونه ای از دانشجویان غیربومی شهر اهواز، پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ بدست آورده است.

مقیاس گرایش به همسالان

شاخص روابط با همسالان (IPR) توسط والتر دبیلو. هادسون در سال ۱۹۹۲ ساخته شده است که از ۲۵ گویه تشکیل شده است که به منظور سنجش روابط و مشکلات با همسالان بکار می رود. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۷ نقطه ای می باشد که برای گزینه های «هرگز»، «خیلی به ندرت»، «کمی»، «گاهی اوقات»، «اغلب اوقات»، «تقریباً اکثر اوقات» و «همیشه» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ در نظر گرفته می شود. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۷ نقطه ای می باشد که برای گزینه های «هرگز»، «خیلی به ندرت»، «کمی»، «گاهی اوقات»، «اغلب اوقات»، «تقریباً اکثر اوقات» و «همیشه» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ در نظر گرفته می شود.

عنوان	هرگز	خیلی به ندرت	کمی	گاهی اوقات	اغلب اوقات	تقریباً اکثر اوقات	همیشه
امتیاز	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

گویه های شماره ۱، ۴، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۵-۱۸، ۲۱ و ۲۲ بصورت معکوس نمره گذاری می شوند و طبق جدول زیر عمل می شود.

عنوان	هرگز	خیلی به ندرت	کمی	گاهی اوقات	اغلب اوقات	تقریباً اکثر اوقات	همیشه
امتیاز	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

بر اساس این روش از تحلیل شما نمره های به دست آمده را جمع کرده و سپس بر اساس جدول زیر قضاوت کنید. توجه داشته باشید میزان امتیازهای زیر برای یک پرسشنامه است در صورتی که به طور مثال شما ۱۰ پرسشنامه داشته باشید باید امتیازهای زیر را ضربدر ۱۰ کنید

مثال: حد پایین نمرات پرسشنامه به طریق زیر بدست آمده است

تعداد سوالات پرسشنامه * ۱ = حد پایین نمره

حد پایین نمره	حد متوسط نمرات	حد بالای نمرات
۲۵	۱۰۰	۱۷۵

امتیازات خود را از ۲۵ عبارت فوق با یکدیگر جمع نمایید. حداقل امتیاز ممکن ۲۵ و حداکثر ۱۷۵ خواهد بود.

نمره بین ۲۵ تا ۵۰ : مشکلات فرد با همسالان کم است.

نمره بین ۵۰ تا ۱۰۰ : مشکلات فرد با همسالان متوسط است.

نمره بالاتر از ۱۰۰ : مشکلات فرد با همسالان زیاد است .

نمره گذاری پرسشنامه بعد از معکوس کردن گویه های ذکر شده، جمع بستن این نمره ها و نمره های باقیمانده، کسر کردن تعداد ماده های تکمیل شده، ضرب کردن عدد به دست آمده در ۱۰۰ و تقسیم آن به تعداد ماده های تکمیل شده ضربدر ۶، نمره گذاری می شود. این عملیات یک دامنه ی ۰ تا ۱۰۰ را به دست می دهد که در آن نمرات بالاتر نشانگر میزان یا شدت بالای مشکلات است.

بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر

این مقیاس دارای دو نقطه برش است. نقطه برش اول نمره ی ۳۰ (± 5) می باشد که نمرات پایین تر از آن نشانگر عدم وجود یک مشکل بالینی قابل توجه است. نقطه برش دوم نمره ی ۷۰ است که نشانگر تجربه ی استرس شدید و احتمال دست زدن به برخی از انواع خشونت برای برخورد با مشکلات است، که لازم است متخصصین امر نسبت به این مطلب آگاه باشند. در پژوهش هادسون ۱۹۹۲ این مقیاس دارای آلفای ۰/۹۴ است که نشان دهنده ثبات درونی عالی و خطای استاندارد عالی (پایین) ۰/۴۴ است.

پرسشنامه گرایش به اعتیاد

این پرسشنامه دارای ۱۶ سوال است و هدف کلی آن بررسی میزان تمایل به اعتیاد از سه بعد اجتماعی، فردی و محیطی در افراد مختلف می باشد. این پرسشنامه به صورت محقق ساخته و با استفاده از برخی منابع علمی از قبیل فرچاد و همکاران (۱۳۸۵) طراحی گردیده است. طیف پاسخدهی به پرسشنامه به صورت لیکرت بوده که در جدول زیر مشخص گشته است:

گزینه	خیلی کم	کم	گهگاهی	زیاد	خیلی زیاد
امتیاز	۱	۲	۳	۴	۵

ابعاد پرسشنامه و سوالات مربوط به هر بعد در جدول زیر ارائه شده است:

بعد	سوالات مربوطه
محیطی (خانوادگی و فامیلی)	۱ الی ۵
فردی	۶ الی ۹
اجتماعی	۱۰ الی ۱۶

بدین ترتیب، به منظور بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیاز همه سوالات را با هم جمع می نماییم. بدیهی است که این امتیاز دامنه ای از ۱۶ تا ۸۰ خواهد داشت و هر چه این امتیاز بالاتر باشد، بیانگر میزان تمایل بیشتر شخص پاسخ دهنده به اعتیاد خواهد بود و برعکس. در پایان نامه میرحسامی (۱۳۸۸) جهت روایی صوری پرسشنامه و صحت و سقم سؤالات، پرسشنامه در بین تعدادی از دانشجویان توزیع شد و پس از اطمینان از نتایج بدست آمده، پرسشنامه در نمونه آماری توزیع شد.

همچنین پایایی پرسشنامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. معمولاً دامنه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر (۰) به معنای عدم پایداری، تا مثبت یک (۱+) به معنای پایایی کامل قرار می گیرد و هر چه مقدار بدست آمده به عدد مثبت یک نزدیکتر باشد قابلیت اعتماد پرسشنامه بیشتر می شود. آلفای کرونباخ برای پرسشنامه **میزان گرایش به اعتیاد** برابر با ۰/۷۹ می باشد.

مقدار آلفای کرونباخ در پرسشنامه میزان گرایش به اعتیاد

Reliability Statistics		
Cronbach's Alpha	N of Items	پرسشنامه مورد نظر
۰/۷۹	۱۶	میزان گرایش به اعتیاد

یافته های پژوهش

جدول ۱. توزیع فراوانی و فراوانی درصدی پاسخ‌گویان بر اساس تاهل

تاهل	فراوانی	درصد فراوانی
مجرد	۶۳	۲۵/۰
متاهل	۱۱	۱۵/۰
مطلقه	۵۳	۶۰/۰
کل	۱۰۰	۱۰۰/۰

جدول ۲. توزیع فراوانی و فراوانی درصدی پاسخ‌گویان بر اساس تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
ابتدایی	۵۱	۱۵/۰
سیکل	۲۵	۲۵/۰
دیپلم	۴۰	۳۵/۰
فوق دیپلم	۲۰	۲۵/۰
کل	۱۰۰	۱۰۰/۰

جدول ۳. توزیع فراوانی و فراوانی درصدی پاسخ‌گویان بر اساس وضعیت شغلی

وضعیت شغلی	فراوانی	درصد فراوانی
بیکار	۵۷	۵۰/۰
خانه دار	۱۳	۱۵/۰
منشی	۱۷	۲۰/۰
کارمند شرکت خصوصی	۱۳	۱۵/۰
کل	۱۰۰	۱۰۰/۰

جدول ۴. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
امکانات فرهنگی و آموزشی	۱۰۰	۲۶/۳۱	۷/۴۵	۱۳	۴۷
مصرف رسانه ای	۱۰۰	۱۴/۰۱	۴/۱۱	۷	۲۶
سرمایه فرهنگی	۱۰۰	۱۴/۴۵	۴/۰۸	۷	۲۸
گرایش های دینی	۱۰۰	۲۶/۰۲	۷/۶۲	۱۲	۴۹
عوامل فرهنگی	۱۰۰	۲۸/۴۷	۸/۱۴	۱۵	۵۲
احساس آنومی	۱۰۰	۱۸/۹۵	۵/۳۸	۱۰	۳۷
احساس محرومیت نسبی	۱۰۰	۱۷/۴۳	۴/۷۸	۹	۳۳
احساس انزوای اجتماعی	۱۰۰	۱۲/۱۵	۳/۵۹	۶	۲۲

بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر

۱۷	۵	۳/۱۳	۹/۹۴	۱۰۰	گرایش به همسالان
۲۲	۵	۳/۵۹	۱۲/۲۹	۱۰۰	باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی
۳۳۰	۱۰۵	۴۵/۲۹	۱۸۰/۰۱	۱۰۰	عوامل اجتماعی
۴۰	۱۱	۵/۵۲	۲۴/۳۳	۱۰۰	پیشگیری از اعتیاد

جدول ۵: بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیر	کجی	نسبت بحرانی	کشیدگی	نسبت بحرانی
امکانات فرهنگی و آموزشی	-۰/۲۷	-۲/۵۲	-۰/۵۱	-۲/۳۹
مصرف رسانه ای	۰/۳۹	۲/۲۹	-۰/۳۸	-۱/۱۲
سرمایه فرهنگی	۰/۳۸	۲/۲۱	۰/۱۲	۰/۳۶
گرایش های دینی	۰/۲۸	۱/۶۱	۰/۰۲	۰/۰۶
عوامل فرهنگی	۰/۴۱	۲/۳۸	-۰/۱۸	-۰/۵۱
احساس انومی	۰/۴۰	۲/۳۰	-۰/۱۲	-۰/۳۴
احساس محرومیت نسبی	۰/۴۱	۲/۳۵	۰/۳۸	۱/۱۲
احساس انزوای اجتماعی	۰/۴۱	۲/۴۰	۰/۴۳	۱/۲۵
گرایش به همسالان	۰/۳۲	۱/۸۵	-۰/۷۱	-۲/۰۶
باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی	۰/۴۲	۲/۴۳	-۰/۷۳	-۲/۱۴
عوامل اجتماعی	۰/۴۱	۲/۳۶	-۰/۳۷	-۱/۰۸
پیشگیری از اعتیاد	۰/۴۰	۲/۳۱	۰/۴۵	۱/۳۱

(عوامل اجتماعی) ۰/۱۷۹ + (عوامل فرهنگی) -۰/۳۷۷ = پیشگیری از اعتیاد

جدول ۶: نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی

متغیر	ضریب بتا غیراستاندارد ^۱	ضریب بتا استاندارد شده ^۲	آماره t	عامل تورم واریانس ^۳
عرض از مبدأ	۷۵/۶۶۳	-	۱۰/۵۹۷	-
عوامل فرهنگی	-۰/۰۷۲	-۰/۳۷۷	-۵/۷۱۵	۱/۰۰۴
عوامل اجتماعی	۰/۰۸۶	۰/۱۷۹	۱/۷۰۱	۱/۰۰۴
DW=۲/۰۲۵ F(مقدار=۰/۰۰۱ p) < F=۱۶/۶۶۹ Adj R ² =۰/۱۳۶ R ² =۰/۱۴۵				

جدول ۷: بررسی رابطه عوامل فرهنگی و پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد
عوامل فرهنگی	ضریب همبستگی پیرسون ^۴
	p-مقدار
	فراوانی
	نوع رابطه

1. Unstandardized Coefficients

2. Standardized Coefficients

3. Variance Inflation Factor

4. Pearson Correlation

۰/۳۳۳ ۰/۰۰۱ ۱۰۰ افزایشی

جدول ۸. بررسی رابطه امکانات فرهنگی و آموزشی و پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد		
امکانات فرهنگی و آموزشی	ضریب همبستگی پیرسون	p-مقدار	فراوانی
	۰/۳۱۱	۰/۰۰۱	۱۰۰
			نوع رابطه افزایشی

جدول ۹. بررسی رابطه مصرف رسانه ای و پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد		
مصرف رسانه ای	ضریب همبستگی پیرسون	p-مقدار	فراوانی
	۰/۳۴۲	۰/۰۰۱	۱۰۰
			نوع رابطه افزایشی

جدول ۱۰. بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد		
سرمایه فرهنگی	ضریب همبستگی پیرسون	p-مقدار	فراوانی
	۰/۳۷۰	۰/۰۰۱	۱۰۰
			نوع رابطه افزایشی

جدول ۱۱. بررسی رابطه گرایش های دینی با پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد		
گرایش های دینی	ضریب همبستگی پیرسون	p-مقدار	فراوانی
	۰/۳۴۲	۰/۰۰۱	۱۰۰
			نوع رابطه افزایشی

جدول ۱۲. بررسی رابطه عوامل اجتماعی با پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد		
عوامل اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	p-مقدار	فراوانی
	-۰/۳۲۴	۰/۰۰۱	۱۰۰
			نوع رابطه کاهشی

جدول ۱۳. بررسی رابطه مؤلفه احساس آنومی با پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد		
احساس آنومی	ضریب همبستگی پیرسون	p-مقدار	فراوانی
	-۰/۲۷۱	۰/۰۰۱	۱۰۰
			نوع رابطه کاهشی

جدول ۱۴. بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی با پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد		
احساس محرومیت نسبی	ضریب همبستگی پیرسون	p-مقدار	فراوانی
	-۰/۳۳۷	۰/۰۰۱	۱۰۰
			نوع رابطه کاهشی

بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر

جدول ۱۵. بررسی رابطه احساس انزوای اجتماعی با پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد		
احساس انزوای اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	P-مقدار	فراوانی
	-۰/۱۸۸	۰/۰۰۱	۱۰۰
			نوع رابطه
			کاهش

جدول ۱۶. بررسی رابطه گرایش به همسالان با پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد		
گرایش به همسالان	ضریب همبستگی پیرسون	P-مقدار	فراوانی
	-۰/۳۵۴	۰/۰۰۱	۱۰۰
			نوع رابطه
			کاهش

جدول ۱۷. بررسی رابطه باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی با پیشگیری از اعتیاد

متغیر	پیشگیری از اعتیاد		
باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی	ضریب همبستگی پیرسون	P-مقدار	فراوانی
	-۰/۴۸۲	۰/۰۰۱	۱۰۰
			نوع رابطه
			کاهش

بحث و نتیجه گیری

فرضیه کلی پژوهش

"عوامل فرهنگی - اجتماعی بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از رگرسیون نشان داد بین عوامل فرهنگی با پیشگیری از اعتیاد رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و بین عوامل اجتماعی با پیشگیری از اعتیاد رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بین عوامل فرهنگی، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه ای، سرمایه فرهنگی، گرایش های دینی رابطه معنی دار و به صورت افزایشی (مستقیم) و در سطح متوسط وجود دارد. یعنی با افزایش عوامل فرهنگی، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه ای، سرمایه فرهنگی، گرایش های دینی، پیشگیری از اعتیاد افزایش پیدا می کند. همچنین بین عوامل اجتماعی، احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی، احساس انزوای اجتماعی، گرایش به همسالان، باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی دار و کاهش (معکوس) و در سطح متوسط وجود دارد. یعنی با افزایش عوامل اجتماعی، احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی، احساس انزوای اجتماعی، گرایش به همسالان، باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی، پیشگیری از اعتیاد کاهش پیدا می کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، قربانی (۱۳۹۸)، ثابتی (۱۳۹۷)، عیدی و همکاران (۱۳۹۶)، عظیمی (۱۳۹۶)، شایگان و همکاران (۱۳۹۳)، ذکریایی، مظفر و ثابتی (۱۳۸۸)، قناعتیان و همکاران (۱۳۸۷)، هین ریچ و همکاران (۲۰۲۱)، روم و اکلالان (۲۰۱۹)، ناکانو (۲۰۱۹)، لی (۲۰۱۸)، سئو (۲۰۱۸)، مایر، سالووی و اگروسا (۲۰۱۸)، هافمن و جکسون (۲۰۱۷) همسو و همخوان می باشد.

⁶ Mayer, Salvi, Egroosa

⁷ Hafman & Jaksoon

در تبیین این فرضیه می توان گفت عوامل فرهنگی و سرمایه اجتماعی ارتباط متقابل افراد با یکدیگر، اعتماد و قابلیت اطمینان است که می تواند با ایجاد شناخت مناسب و تسهیل امکانات موجود، کارآیی جامعه را بهبود بخشیده و موجبات کاهش آسیب پذیری افراد جامعه را فراهم آورد. به عبارت دیگر، در مطالعات نظری بسیاری در مورد رفتارهای پرخطر و آسیب زا اشاره شده است که باورها و نگرش ها، فرآیندهای شناختی، ارتباطات و تعاملات فرد با محیط و خانواده نقش مؤثری در تعیین و کنترل رفتارهای پرخطر افراد دارند و در این بین، بعد ارتباطی و شناختی سرمایه اجتماعی نقش مهم تر و برجسته تری در کاهش رفتارهای پرخطر دارند

فرضیه های فرعی پژوهش

"عوامل فرهنگی بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می دهد که بین عوامل فرهنگی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی دار وجود دارد. این رابطه به صورت افزایشی (مستقیم) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش عوامل فرهنگی، پیشگیری از اعتیاد افزایش پیدا می کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، قربانی (۱۳۹۸)، ثابتی (۱۳۹۷)، هین ریچ و همکاران (۲۰۲۱)، روم و اکلالان (۲۰۱۹)، ناکانو (۲۰۱۹)، لی (۲۰۱۸)، سئو^۹ (۲۰۱۸)، مایر، سالووی و اگروسا^{۱۰} (۲۰۱۸)، هافمن و جکسون^{۱۰} (۲۰۱۷) همسو و همخوان می باشد.

در تبیین این فرضیه می توان افرادی که اهداف و وسایل پذیرفته شده فرهنگی در جامعه را قبول نداشته و هر دو را رد میکنند، وارد مرحله ای می شوند که ارتباطات اجتماعی آنان کمتر و انفعال از ارزشهای مرسوم جامعه بیشتر میشود که این خود بیشتر موجب عزلت و گوشه نشینی میشود. در این حال ترس، یاس، ناامیدی و مکانیزمهای گریزی ظاهر می شود که نهایتاً هدایت کننده افراد به فرار از تعهدات اجتماعی است، به نظر میرسد گوشه گیری و عدم شرکت در فعالیت های اجتماعی عامل تعیین کننده در گرایش افراد به استفاده از مواد مخدر و لغزش دوباره باشد

"امکانات فرهنگی و آموزشی بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می دهد که بین امکانات فرهنگی و آموزشی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی دار وجود دارد. این رابطه به صورت افزایشی (مستقیم) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش امکانات فرهنگی و آموزشی، پیشگیری از اعتیاد افزایش پیدا می کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، قربانی (۱۳۹۸)، ثابتی (۱۳۹۷) همسو و همخوان می باشد.

⁹ Mayer, Salvi, Egroosa

¹⁰ Hafman & Jaksoon

بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر

در تبیین این فرضیه می توان گفت امکانات فرهنگی و آموزشی از دیگر متغیرهایی هستند که با اعتیاد رابطه دارند هرچه امکانات فرهنگی بیشتر و آموزش بیشتری در این زمینه صورت بگیرد اعتیاد کمتر است و هرچه مواد مخدر بیشتری در اختیار باشد و دسترسی آسان باشد اعتیاد هم بیشتر است.

"مصرف رسانه ای بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می دهد که بین مصرف رسانه ای با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی دار وجود دارد. این رابطه به صورت افزایشی (مستقیم) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش امکانات فرهنگی و آموزشی، پیشگیری از اعتیاد افزایش پیدا می کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، قربانی (۱۳۹۸)، ثابتی (۱۳۹۷) همسو و همخوان می باشد.

در تبیین این فرضیه می توان گفت بزهکاری از نظر اجتماعی به صورت خرده فرهنگ بزهکار نمایان می شود و همانطور که در خرده فرهنگ بهنجار فرصتهای مشروع وجود دارد. در خرده فرهنگ بزهکار نیز فرصتهای نامشروع برای نیل به هدف های فرهنگی دیده می شود. اگر از طریق رسانه ها، خرده فرهنگ گوشه گیر و انزوا طلب که محصول عدم موفقیت و کامیابی فرزندان طبقه پایین در کسب موفقیت از راههای مشروع و نامشروع است تبلیغ شود آنان نیز را شکست خورده و ناکام می سازد و به خود سرزنشی، انزوا طلبی و اعتیاد می کشاند

"سرمایه فرهنگی بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می دهد که بین سرمایه فرهنگی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی دار وجود دارد. این رابطه به صورت افزایشی (مستقیم) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش امکانات فرهنگی و آموزشی، پیشگیری از اعتیاد افزایش پیدا می کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، قربانی (۱۳۹۸)، ثابتی (۱۳۹۷) همسو و همخوان می باشد.

در تبیین این فرضیه می توان گفت جامعه ای که سرمایه فرهنگی قوی تری دارد، افرادش در فعالیتهای روزانه مشارکت بیشتری دارند و کمتر به استفاده از مواد مخدر گرایش پیدا می کنند. کج روی ها و اعتیاد هنگامی پدید می آید که تعهد فرد به جامعه ضعیف می شود.

"گرایش های دینی بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می دهد که بین گرایش های دینی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی دار وجود دارد. این رابطه به صورت افزایشی (مستقیم) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش گرایش های دینی، پیشگیری از اعتیاد افزایش پیدا می کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، قربانی (۱۳۹۸)، ثابتی (۱۳۹۷) همسو و همخوان می باشد.

در تبیین این فرضیه می توان گفت هر چه افراد به تعهدات مذهبی پایبندی بیشتری داشته باشند با احتمال کمتری دچار رفتار انحرافی میشوند. از سویی عضویت در گروه های مذهبی و داشتن گرایش های مذهبی و برقراری ارتباط با افراد مذهبی و وجود تعلقات است که همنوایی را در افراد باعث می شود و فقدان آن، عامل جرم و بزهکاری است

"عوامل اجتماعی بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین عوامل اجتماعی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی‌دار وجود دارد. این رابطه به صورت کاهشی (معکوس) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش عوامل اجتماعی، پیشگیری از اعتیاد کاهش پیدا می‌کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش‌های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، عیدی و همکاران (۱۳۹۶)، عظیمی (۱۳۹۶)، شایگان و همکاران (۱۳۹۳)، ذکریایی، مظفر و ثابتی (۱۳۸۸)، قناعتیان و همکاران (۱۳۸۷)، هین ریچ و همکاران (۲۰۲۱)، روم و اکلالان (۲۰۱۹)، ناکانو (۲۰۱۹)، لی (۲۰۱۸)، سئو^{۱۱} (۲۰۱۸)، مایر، سالووی و اگروسا^{۱۲} (۲۰۱۸)، هافمن و جکسون^{۱۳} (۲۰۱۷) همسو و همخوان می‌باشد.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت به واسطه سرعت تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی وضعیت بی‌هنجاری و آنومیک اجتماعی شدت خواهد گرفت به گونه‌ای که تاثیرگذاری الزام‌های اخلاقی، سنتی، مذهبی و دینی به عنوان معیارهای راهنمایی افراد کم رنگ می‌شود. در نتیجه وضعیت نامناسب اجتماعی - اقتصادی گروهی از افراد که از توانایی رقابت اندکی برخوردارند یا دچار محدودیت‌های گوناگون اجتماعی هستند در فرایند رقابت با دیگر کنشگران اجتماعی برای کسب منافع، دچار محرومیت و احساس محرومیت خواهند شد که این امر مسیر آن‌ها را برای انزوای طلبی و کناره‌گیری اجتماعی از عرصه عمومی هموار می‌کند. در نتیجه این فرایند کنشگران اجتماعی محروم و منزوی هرچه بیشتر برای گرایش به سمت گروه‌های اجتماعی بزهکار (مصرف مواد مخدر) آمادگی خواهند داشت. ارتباطات و تعاملات درون گروهی و عناصر فرهنگی حاکم بر خرده فرهنگ‌های بزهکار (مصرف کننده مواد) افراد عضو را در فرایند جامعه‌پذیری جدیدی قرار می‌دهد که آموزش، یادگیری و پذیرش فرهنگ مصرف مواد مخدر بخشی اساسی از آن می‌باشد.

"احساس آنومی بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین احساس آنومی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی‌دار وجود دارد. این رابطه به صورت کاهشی (معکوس) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش احساس آنومی، پیشگیری از اعتیاد کاهش پیدا می‌کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش‌های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، عیدی و همکاران (۱۳۹۶)، عظیمی (۱۳۹۶)، شایگان و همکاران (۱۳۹۳)، ذکریایی، مظفر و ثابتی (۱۳۸۸)، قناعتیان و همکاران (۱۳۸۷) همسو و همخوان می‌باشد.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی، در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد. فرد از جامعه کناره‌گیری می‌کند، یا در برابر جامعه طغیان می‌کند و به مصرف مواد روی می‌آورد.

"احساس محرومیت نسبی بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین احساس محرومیت نسبی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی‌دار وجود دارد. این رابطه به صورت کاهشی (معکوس) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش احساس محرومیت نسبی، پیشگیری از اعتیاد کاهش پیدا می‌کند.

¹² Mayer, Salvi, Egroosa

¹³ Hafman & Jaksoon

بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر

نتایج این پژوهش با پژوهش های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، عیدی و همکاران (۱۳۹۶)، عظیمی (۱۳۹۶)، شایگان و همکاران (۱۳۹۳)، ذکریایی، مظفر و ثابتی (۱۳۸۸)، قناعتیان و همکاران (۱۳۸۷) همسو و همخوان می باشد.

در تبیین این فرضیه می توان گفت گرایش به مصرف مواد نتیجه احساس محرومیت ادراک شده کنشگران اجتماعی به واسطه محدودیت های اجتماعی جهت دستیابی به پایگاه منزلتی پذیرفته شده طبقه متوسط اجتماعی می باشد ولی توانایی رسیدن به این اهداف را از طریق وسایلی که از طرف جامعه مقبول هستند ندارند. دائما از منزلتی که هنجارهای طبقه متوسط آن را مطلوب می داند، احساس محرومیت می نمایند با مشکل سازگاری پیش می آید و در نتیجه احساس محرومیت ناشی از مقایسه عامل سوق دادن افراد به ارتکاب کج روی است.

"احساس انزوای اجتماعی بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می دهد که بین احساس انزوای اجتماعی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی دار وجود دارد. این رابطه به صورت کاهشی (معکوس) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش احساس انزوای اجتماعی، پیشگیری از اعتیاد کاهش پیدا می کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، عیدی و همکاران (۱۳۹۶)، عظیمی (۱۳۹۶)، شایگان و همکاران (۱۳۹۳)، ذکریایی، مظفر و ثابتی (۱۳۸۸)، قناعتیان و همکاران (۱۳۸۷) همسو و همخوان می باشد.

در تبیین این فرضیه می توان گفت گرایش به مصرف مواد مخدر نتیجه از خود بیگانگی حاصل از عدم سازگاری هدف های فرهنگی جامعه با وسایل مناسب برای رسیدن به آن هدف هاست. وقتی همنوایی وجود نداشته باشد و عقب نشینی و انزوا رخ دهد مصرف مواد افزایش می یابد

"گرایش به همسالان بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می دهد که بین گرایش به همسالان با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی دار وجود دارد. این رابطه به صورت کاهشی (معکوس) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش گرایش به همسالان، پیشگیری از اعتیاد کاهش پیدا می کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، عیدی و همکاران (۱۳۹۶)، عظیمی (۱۳۹۶)، شایگان و همکاران (۱۳۹۳)، ذکریایی، مظفر و ثابتی (۱۳۸۸)، قناعتیان و همکاران (۱۳۸۷) همسو و همخوان می باشد.

در تبیین این فرضیه می توان گفت گرایش به مصرف مواد نتیجه یادگیری به واسطه ارتباطات و تعاملات میان فردی با گروه های همسال معتاد است. اعتیاد از طریق کنش متقابل در گروه های کوچک (گروه همسالان یا همالان) آموخته می شود و درواقع رفتار مصرف مواد مخدر یاد گرفته می شود و یادگیری عمده از طریق کنش متقابل فرد در درون گروه های مشخص و صمیمی هم چون گروه همسالان رخ می دهد.

"باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی بر پیشگیری از اعتیاد دختران جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) بدسرپرست شهر بردسیر موثر است"

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی با پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی‌دار وجود دارد. این رابطه به صورت کاهشی (معکوس) و در سطح متوسط قرار دارد. یعنی با افزایش باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی، پیشگیری از اعتیاد کاهش پیدا می‌کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش‌های درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹)، ثابتی (۱۳۹۸)، مومبینی و همکاران (۱۳۹۸)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۶)، ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۲)، عیدی و همکاران (۱۳۹۶)، عظیمی (۱۳۹۶)، شایگان و همکاران (۱۳۹۳)، ذکریایی، مظفر و ثابتی (۱۳۸۸)، قناعتیان و همکاران (۱۳۸۷) همسو و همخوان می‌باشد.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت محتوای باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی در خصوص مصرف موادمخدر نشان دهنده تکنیک و فنون (انکار زیان) مصرف مواد مخدر و به ویژه با تاکید بر جنبه‌های مثبت و مطلوب آن می‌باشد. به گونه‌ای که باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی در مورد مصرف مواد مخدر تسهیل کننده گرایش به استفاده و مصرف مواد مخدر است.

پیشنهادهای کاربردی

۱. پیشنهاد می‌شود مکانی که این نوجوانان در آن به دنیا آمده و پرورش می‌آید دقیقاً و با جزئیات بیشتری باید شبیه به خانه‌ای همراه با خانواده باشد تا کمتر احساس خلل نماید همچنین باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا نوجوانان و جوانان خود بتوانند مسئولیت پذیر باشند زیرا باید پذیرفت که آنان نسبت به افراد دیگر دارای خلل عاطفی و احساسی هستند.

۲. پیشنهاد می‌شود مراکز نگهداری نوجوانان و جوانان در حال ترک از نظر مکان و مربیان حداقل امکان ثابت باشند تغییر ناگهانی آنان موجب ایجاد حس ترس و اضطراب خواهد شد طراحی فضاهایی جهت آموزش و انجام کارهای انفرادی و گروهی باشد.

۳. پیشنهاد می‌شود با تأسیس مراکز حمایتی دولتی و قدرت اجرایی کافی در شهرستانها برای رسیدگی به مسئله شاخص‌های اعتیاد و سلامت روان دختران جوان، به طوری که خانواده‌ها و سایر افراد امکان دسترسی و تماس آسان با این مراکز را در موارد لازم داشته باشند.

۴. پیشنهاد می‌شود اقداماتی مناسب در جهت تشخیص سریع و موقع عود اعتیاد از طریق به کارگیری روانشناسان بالینی و خدمات روانپزشکی در تمام مراکز ترک اعتیاد انجام شود.

۵- پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره و مددکاری سازمان ناجا براساس نتایج چنین پژوهش‌هایی به طراحی برنامه‌های آموزشی و کارزمایی‌های بالینی مناسب و سودمند جهت افزایش سرمایه‌های اجتماعی و عوامل فرهنگی موثر و به دنبال آن کاهش انحرافات و نابهنجاری‌های رفتاری اقدام کنند.

۶- پیشنهاد می‌شود مشاوران و مددکاران شاغل در سازمان نیروی انتظامی، زنان و دختران جوان بدسرپرست را به عنوان اقشار آسیب پذیر مورد توجه قرار داده و برنامه‌هایی متعددی در جهت مهارت آموزی و توانمندسازی روانی و اجتماعی این افراد داشته باشد.

۷- ایجاد مکانهای تفریحی سالم و بالابردن مشارکت در فعالیت‌های گروهی از جمله ورزش و همچنین توزیع عادلانه امکانات می‌تواند از شیوع این بیماری تا حدی جلوگیری نماید.

۸. اعتیاد مرد در بزهکار شدن همسر وی مؤثر است. بنابراین می‌توان از طریق سازمان‌های مردم نهاد این خانواده‌ها را تحت پوشش قرار داد تا با ترک اعتیادشان، دوباره به بستر خانواده بازگرداند. به این ترتیب عواقب مخرب ناشی از مصرف مواد مخدر به زنان و کودکان این خانواده‌ها گوشزد می‌شود تا در درمان مردان معتاد خانواده کمک کرده و از آسیب‌های احتمالی اعتیاد آنها به خانواده جلوگیری شود.

۹. سازمان های حمایتی چون بهزیستی و کمیته امداد می توانند با تلاش در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و تخصیص بودجه های مناسب برای خوداشتغالی و کارآفرینی زنان نقش مهمی در پیشگیری از انحراف زنان سرپرست خانواده ایفا کنند.
۱۰. گسترش پوشش بیمه ای و تخصیص اعتبارات لازم جهت بیمه شدن زنان سرپرست خانوار و تقویت سیستم های تأمین اجتماعی در جامعه از بسیاری از آسیب های اجتماعی به ویژه انحرافات زنان جلوگیری می کند.
۱۱. آموزش مهارت های زندگی به زنان در مواجهه با بحران های زندگی در تربیت بهتر فرزندان و جلوگیری از انحراف آنها کمک می کند.
۱۲. ایجاد مراکز مشاوره و امکان بهره مندی از خدمات مشاوره ای رایگان برای زنانی که همسران معتاد دارند در خصوص نحوه ی برخورد با همسر و فرزندان و مصون ماندن از آسیب های این همسران و معتاد شدن خود و فرزندان از اقدامات بسیار مفید خواهد بود.
۱۳. رسیدگی به مناطق محروم و ارائه خدمات بیشتر به مناطق حاشیه نشین شهرها که جمعیت زیادی هم دارند، می تواند از افزایش انحرافات در جامعه و یادگیری جرم توسط ساکنین این مناطق جلوگیری کند. همچنین با نظارت و کنترل بیشتر پلیس در این مناطق از تجمع مجرمین و به انحراف کشاندن سایر ساکنین پیشگیری خواهد شد و این مناطق را از محیط امن مجرمین به ویژه زنان بزهکار و روسپی خارج می سازد

منابع

- [۱] آسنجرانی، ف؛ حزابری، ر، ا؛ فاتحی زاده، م؛ اعتمادی، ع؛ دومول، ی. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش سمینار بازسازی زندگی پس از طلاق فیشر بر سازگاری پس از طلاق و رضایت از زندگی در زنان مطلقه. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۶؛ ۶ (۲) ۵-۱۳.
- [۲] احدی، ح؛ عبدالمهی، ا؛ تاجری، ب؛ حاجی علی زاده، ک. (۱۴۰۰). تدوین الگوی مفهومی عوامل شکلهنده طلاق در پنج سال اول زندگی: یک مطالعه داده بنیاد. مجله علوم روانشناختی، دور ۱ بیستم، شماره ۳۴، ص ۱۱-۱.
- [۳] افتخاری، آ. (۱۴۰۰). پیش بینی سازگاری پس از طلاق از طریق سازگاری عاطفی با تاکید بر تفاوت های جنسیتی. مجله علمی و پژوهشی تحقیقات سلامت. ۱۰ (۳): ۱۹۴-۱۸۵.
- [۴] حاجی زاده میمندی، م؛ مداحی، ج؛ کریمی، ی؛ حدت، ا؛ غروری، م. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی (مطالعه موردی متاهلین شهر شیراز). مطالعات راهبردی زنان، ۱۸ (۷۱): ۸۵-۱۰۸.
- [۵] دلخوش، ا؛ موحدی، ی. (۱۴۰۰). اثر بخشی زوج درمانی هیجان مدار بر تاب آوری و آمیختگی شناختی در زوجین متقاضی طلاق. علوم پیراپزشکی و بهداشت نظامی، ۱۶ (۱): ۳۱-۲۴.
- [۶] عطار، ف. (۱۳۹۷). همبسته های طلاق بر مبنای سنوات زندگی مشترک زوجین متقاضی طلاق. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان.
- [7] Amato, P. R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), 650-666. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00723.x>
- [8] Aseltine, R. H., & Kessler, R. C. (1993). Marital disruption and depression in a community sample. *Journal of Health & Social Behavior*, 34 (3), 237-251.
- [9] Anderson, R. 2013. Marriage: What it is, why it matters, and the consequences of redefining it. Backgrounder No. 2775. Available: <http://report.heritage.org/bg2775>. [Accessed 20 March 2022].
- [10] Aihoma. 2013. The psycho-social effect of parental separation and divorce on adolescents: Implications for counselling in Surulere Local Government Area of Lagos State. *International Journal of Psychology and Counselling*, 5(7): 162-168.
- [11] Afifi, T. D., Davis, S., Merrill, A. F., Coveleski, S., Denes, A., & Shahnazi, A. F. (2018). Couples' communication about financial uncertainty following the great recession and its association with stress, mental health and divorce proneness. *Journal of Family and Economic Issues*, 39(2), 205-219.
- [12] Allen, S., & Hawkins, A. J. (2017). Theorizing the decision-making process for divorce or reconciliation. *Journal of Family Theory & Review*, 9(1), 50-68
- [13] Ahrons, C. R., & Rodgers R. H. (1987). Divorced families. Meeting the challenge of divorce and remarriage. W.W. Norton & Company, Inc, New York.
- [14] Ahrons, C. (1995). The good divorce. Keeping your family together when your marriage comes apart. Harper Perennial/Harper Collins Publishers Inc, New York.
- [15] Braver, S. L., Whitley, M., & Ng, C. (1993). Who divorced whom? Methodological and theoretical issues. *Journal of Divorce & Remarriage*, 20(1/2), 1-19. https://doi.org/10.1300/J087v20n01_01
- [16] Buehler, C., Hogan, M. J., Robinson, B. E., & Levy, R. J. (1985). The parental divorce transition: Divorce-related stressors and well-being. *Journal of Divorce*, 9(2), 61-81. https://doi.org/10.1300/J279v09n02_05
- [17] Bell, W., Charping, J. W., & Strecker, J. B. (1989). Client perceptions of the effectiveness of divorce adjustment groups. *Journal of Social Service Research*, 13 (2), 9-32.
- [18] Booth, A., & Amato, P. (1991). Divorce and psychological stress. *Journal of Health & Social Behavior*, 32 (4), 396-407.
- [19] Bell, N, K. (2020). Considering Children and Finances in Divorce Decision-Making. A Dissertation Submitted to The Faculty of the University of Minnesota for the Degree of Doctor of Philosophy.
- [20] Brake, E. 2016. Marriage and Domestic Partnership. The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Winter 2016 Edition). Available: <https://plato.stanford.edu/archives/win2006/entries/marriage/>. [Accessed 20 March 2022].
- [21] Bjorklund, D.F. (2015). Developing adaptations. *Dev. Rev.* 38, 13-35.

- [22] Buccioli, A.; Zarri, L. (2020). Wounds that time can't heal: Life satisfaction and exposure to traumatic events. *J. Econ. Psychol.* 2020, 76, 1–16.
- [23] Carver, S. C. (1998). Resilience and thriving: Issues, models, and linkages. *Journal of Social Issues*, 54 (2), 245-266.
- [24] Colburn, K., Lin, P. L., & Moore, M. C. (1992). Gender and the divorce experience. *Journal of Divorce & Remarriage*, 17 (3-4), 87-108.
- [25] Cropp, C.; Alexandrowicz, R.W.; Taubner, S. (2019). Reflective functioning in an adolescent community sample. *Ment. Health Prev.* 14, 200156.
- [26] Emery, R. E. (2012). *Renegotiating family relationships: Divorce, child custody, and mediation* (2nd ed.). The Guilford Press.
- [27] Fisher, B. F., & Alberti, R. (2000). *Rebuilding when your relationship ends* (3rd ed.). Boulder, CO: Fisher Publishing Company.
- [28] Fisher, B. F. (1978). *When your relationship ends: The divorce process rebuilding blocks*. Boulder, CO: Family Relations Learning Center.
- [29] Finzi, R., Cohen, O., & Ram, A. (2000). Attachment and divorce. *Journal of Family Psychotherapy*, 11 (1), 1-20.
- [30] Fisher, B. F. (1978). *When your relationship ends: The divorce process rebuilding blocks*. Boulder, CO: Family Relations Learning Center.
- [31] Fouts, G., LaTosky, R., Quinney, D., & Knight, J. (2000). Resiliency: A scale assessing thriving, recovery, and survival in adults. Unpublished scale, University of Calgary, Calgary, Alberta.
- [32] Fisher, B. F., & Bierhaus, J. (1994). *Facilitators manual for rebuilding when your relationship ends*. Boulder, CO: Fisher Publishing Company.
- [33] Gaffal, M. (2010). Factors Influencing Ex-spouses' Adjustment to Divorce. In: *Psychosocial and Legal Perspectives of Marital Breakdown*. Springer, Berlin, Heidelberg. https://doi.org/10.1007/978-3-642-13896-6_2
- [34] Garvin, V., Kalter, N., & Hansell, J. (1993). Divorced women: Factors contributing to resiliency and vulnerability. *Journal of Divorce & Remarriage*, 21 (1-2), 21-39.
- [35] Gray, J. D., & Silver, R. C. (1990). Opposite sides of the same coin: Former spouses' divergent perspectives in coping with their divorce. *Journal of Personality & Social Psychology*, 59 (6), 1180-1191.
- [36] Carver, S. C. (1998). Resilience and thriving: Issues, models, and linkages. *Journal of Social Issues*, 54 (2), 245-266.
- [37] Gürmen, M.S., Anderson, S.R & Brown, E. 2018. Relationship with extended family following divorce: a closer look at contemporary times. *Journal of Family Studies*. DOI: 10.1080/13229400.2018.1498369
- [38] Hewitt, B., Turrell, G. (2011). Short-term functional health and well-being after marital separation: Does initiator status make a difference? *American Journal of Epidemiology Advance Access*, 173(11), 1308–1318. <https://doi.org/10.1093/aje/kwr007>
- [39] Hewitt, B., Western, M., & Baxter, J. (2006). Who decides? The social characteristics of who initiates marital separation. *Journal of Marriage and Family*, 68(5), 1165–1177. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2006.00321.x>
- [40] Hetherington, E. M., & Kelly J. (2002). *For Better or for Worse*. W.W. Norton & Company.
- [41] Kincaid, S. B., & Caldwell, R. A. (1991). Initiator status, family support, and adjustment to marital separation: A test of an interaction hypothesis. *Journal of Community Psychology*, 19(1), 9–88. [https://doi.org/10.1002/15206629\(199101\)19:1<79:AIDJCOP2290190108>3.0.CO;2 O](https://doi.org/10.1002/15206629(199101)19:1<79:AIDJCOP2290190108>3.0.CO;2 O)
- [42] Kartika, Y. (2017). Resilience: Phenomenological Study on the Child of Parental Divorce and the Death of Parents. *International E-Journal of Advances in Social Sciences*, 3(9): 1035-1042
- [43] Kim, J.H.; Hawley, C.E.; González, R. (2018). Resilience from a Virtue Perspective. *Rehabil. Couns. Bull.* 61, 195–204.
- [44] Kortlever, J.T.P.; Keulen, M.H.G.; Teunis, T.; Ring, D.; Driscoll, M.D.; Reichel, L.M.M.; Vagner, G.A. (2019). Does resiliency mediate the association of psychological adaptability with disability and pain in patients with an upper extremity injury or illness? *J. Psychosom. Res.* 117, 1–9.

- [45] Kettwell, N.; Morris, R.W.; Ho, N.; Cobb-Clark, D.A.; Cripps, S.; Glozier, N. (2020). The differential impact of major life events on cognitive and affective wellbeing. *SSM Popul. Health*, 10, 100533.
- [46] Kunst, F. (2021). The effect of divorce and co-parenting on emotional problems: The role of conflict at home and resilience. Master Thesis Youth Studies Faculty of Social Sciences, Utrecht University.
- [47] Lee, J. M., Hett, G. C. (1990). Post-divorce adjustment: An assessment of a group intervention. *Canadian Journal of Counselling*, 24 (3), 199-209.
- [48] Lee, J. M., & Hett, G. C. (1990). Post-divorce adjustment: An assessment of a group intervention. *Canadian Journal of Counselling*, 24 (3), 199-209.
- [49] Masheter, C. (1997). Healthy and unhealthy friendship and hostility between ex-spouses. *Journal of Marriage & the Family*, 59 (2), 463-475.
- [50] Ma, Z.; Lin, Z. (2020). The impact of exposure to memorial reports on the 5.12 Wenchuan earthquake on sleep quality among adult survivors ten years after the disaster: Evidence for nonlinear associations. *Compr. Psychiatry*, 97, 152150.
- [51] Niitsu, K.; Rice, M.J.; Houfek, J.F.; Stoltenberg, S.F.; Kupzyk, K.A.; Barron, C.R. (2018). A Systematic Review of Genetic Influence on Psychological Resilience. *Biol. Res. Nurs.* 21, 61-71.
- [52] Obeid, S., Al Karaki, G., Haddad, CH., Sacre, H., Soufia, M., Hallit, R., Salameh, P., Hallit, S. (2021). Association between parental divorce and mental health outcomes among Lebanese adolescents: results of a national study. Obeid et al. *BMC Pediatr*, 21:455 <https://doi.org/10.1186/s12887-021-02926-3>
- [53] Oygard, L., Thuen, F., & Solvang, P. (2000). An evaluation of divorce support groups: A qualitative approach. *Journal of Divorce & Remarriage*, 32 (3/4), 149-164.
- [54] O'Leary, V. E. (1998). Strength in the face of adversity: Individual and social thriving. *Journal of Social Issues*, 54 (2), 425-446.
- [55] Oygard, L., Thuen, F., & Solvang, P. (2000). An evaluation of divorce support groups: A qualitative approach. *Journal of Divorce & Remarriage*, 32 (3/4), 149-164.
- [56] Oishi, S.; Kimura, R.; Hayashi, H.; Tatsuki, S.; Tamura, K.; Ishii, K.; Tucker, J. (2015). Psychological adaptation to the Great Hanshin-Awaji Earthquake of 1995: 16 years later victims still report lower levels of subjective well-being. *J. Res. Pers.* 55, 84-90.
- [57] Park, C. L. (1998). Stress-related growth and thriving through coping: The roles of personality and cognitive processes. *Journal of Social Issues*, 54 (2), 267-277.
- [58] Parker, G., Kristina M. Durante, K, M., Sarah E. Hill, S, E., Haselton, M, G. (2022). Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current Opinion in Psychology*, 43:300-306. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2021.07.020>
- [59] Phumlani Mnyango, R., Alpaslan, N. (2018). Let's talk about Divorce-Men's experiences, challenges, coping resources and suggestions for social work support. *Social Work/Maatskaplike Werk*, 54(1); Issue 5: 69-90. <http://dx.doi.org/10.15270/54-1-615>
- [60] Petren, R. E., Ferraro, A. J., Davis, T. R., & Pasley, K. (2017). Factors linked with coparenting support and conflict after divorce. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(3), 145-160. <https://doi.org/10.1080/10502556.2017.1300013>
- [61] Perilloux, C., & Buss, D. M. (2008). Breaking up romantic relationships: Costs experienced and coping strategies deployed. *Evolutionary Psychology*, 6(1), 164-181. <https://doi.org/10.1177/147470490800600119>
- [62] Przybyła-Basista, H. (2008). The influence of spouses' resistance on their decision to enter into divorce mediation. *Journal of Divorce & Remarriage*, 48(3/4), 67-89. https://doi.org/10.1300/J087v48n03_05
- [63] Pledge, D. S. (1992). Marital separation/divorce: A review of individual responses to a major life stressor. *Journal of Divorce & Remarriage*, 17 (3/4), 151-181.
- [64] Pratiwi, A.; Hamid, A.Y.S.; Fadhillah, H. (2018). Effectiveness of Psychological Adaptation Model of Mental Health Nursing for nurse survivors experiencing post-earthquake disaster post-traumatic stress syndrome. *Enferm. Clin.* 28, 289-294.
- [65] Quero, S.; Mor, S.; Molés, M.; Racgyla, I.; Baños, R.M.; Botella, C. (2019). Exploring the assessment of Adjustment Disorders: Differences between a general and a clinical sample. *Psicothema*, 31, 17-23.

- [66] Richmond, L. S., & Christensen, D. H. (2000). Coping strategies and post-divorce health outcomes. *Journal of Divorce & Remarriage*, 34 (1/2), 41-59.
- [67] Rowntree, J. (2007). Parenting and resilience. First published 2007 by the Joseph Rowntree Foundation. University of Glasgow.
- [68] Rands, M. (1988). Changes in social networks following marital separation and divorce. In R. M. Milardo (Ed.), *Families and Social Networks* (pp. 127-146). London: Sage.
- [69] Rice, D.G. (1977). Psychotherapeutic treatment of narcissistic injury in marital separation and divorce. *Journal of Divorce*, 1, 119-128.
- [70] Splinter, J. P. (2000). The relationship between Jungian psychological type, gender, and divorce recovery. Doctoral dissertation, Saint Louis University. *Dissertation Abstracts International*, 60, (4-B).
- [71] Spencer, T. (2018). The Influence of Divorce Factors on Divorcing Couples' Reconciliation Beliefs and Attitudes Toward Attending Reconciliation Services. Submitted to the Faculty of the Graduate College of the Oklahoma State University in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.
- [72] Spicer, J. W., & Hampe, G. D. (1975). Kinship interaction after divorce. *Journal of Marriage and the Family*, 37, 113-119.
- [73] Thomas, Denis' A., (2009). "Reaching Resilience: A Multiple Case Study of the Experience of Resilience and Protective Factors in Adult Children of Divorce. " PhD diss., University of Tennessee. https://trace.tennessee.edu/utk_graddiss/649
- [74] Taruvunga, P. (2011). Influence of Family Resilience on Teenagers Adaptation Following Parental Divorce in Polokwane, Limpopo Province. Thesis Masters in Clinical Psychology, Department of Psychology at Social Sciences & Humanities Faculty of at the University of Limpopo (Turf loop Campus).
- [75] Viry, G. (2014). Co-parenting and children's adjustment to divorce: the role of geographical distance from fathers. *Journal of Divorce & Remarriage*, 55 (7), 503-526.
- [76] Wallerstein, J. S. (1986). Women after divorce: Preliminary report from a ten-year follow-up. *American Journal of Orthopsychiatry*, 56 (1), 65-77.
- [77] Weiss, R. S. (1976). The emotional impact of marital separation. *Journal of Social Issues*, 32, 135-145.
- [78] Weiss, R. S. (1988). Loss of recovery. *Journal of Social Issues*, 44, 37-52.
- [79] Werner, E. E. (1992). The children of Kauai: Resiliency and recovery in adolescence and adulthood. *Journal of Adolescent Health*, 13(4): 262-268.
- [80] Werner, E. E., & Smith, R.S. (1982). *Vulnerable but invincible: A longitudinal study of resilient children and youth*. New York: McGraw Hill
- [81] Zaleska, A, K., Basista, H, P. (2020): The Role of Ego-Resiliency in Maintaining Post-Divorce Well-being in Initiators and Non-Initiators of Divorce, *Journal of Divorce & Remarriage*, <https://doi.org/10.1080/10502556.2020.1768487>